

قانون ثبت احوال در نظم حقوقی کنونی

مؤلفین

دکتر عباس میرشکابادی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

سید جواد فراهانی

کارشناس ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران

عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام

Iran. Law, etc

عنوان و نام پدیدآور : قانون ثبت احوال در نظم حقوقی کنونی /

مؤلفین: عباس میرشکاری، سید جواد فراهانی

مشخصات نشر : تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری : ۳۳۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۴۶۱-۹

وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه

موضوع : ثبت - - مقررات کیفری - - ایران

Recording and Registration- - Criminal Provisions- - Iran : موضوع

موضوع : شناسنامه - - قوانین و مقررات - - ایران

Brith Certificates- - Law and Legislation- - Iran : موضوع

موضوع : ایران - - آمار حیاتی - - قوانین و مقررات

Iran- - Statistics, Vital- - Law and Legislation : موضوع

شناسه ورودده : میرشکاری، عباس

شناسه افزوده : فراهانی، سید جواد

رده‌بندی کتابگرد : KMH۱۸۵۶/آ۲۸ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵۰.۱۳

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۳۶۱۰۲



عنوان کتاب: قانون ثبت احوال در نظم حقوقی کنونی (ویراست دوم)

مؤلفین: دکتر عباس میرشکاری، سید جواد فراهانی

ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۴۶۱-۹

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

[email: info@junglepub.org](mailto:info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست اعلیٰ مطالب

پیشگفتار

فصل اول: کلیات ۱

ماده ۱: وظایف سازمان ثبت احوال ۳

ماده ۲: ترکیب و وظایف شورای عالی ثبت احوال ۸

ماده ۳: ترکیب و وظایف هیأت حل اختلاف ثبت احوال ۹

ماده ۴: صلاحیت دادگاه برای رسیدگی ابتدایی یا روهشی به دعاوی ثبت احوال ۳۸

ماده ۵: تکلیف مأموران دولتی به همکاری با سازمان ثبت احوال ۴۴

ماده ۶: تعریف ارکان سند سجلی (اعلام کننده، گواه و مأرر ثبت احوال) ۴۷

ماده ۷: سن قانونی گواه و اعلام کننده ۵۲

ماده ۸: حدود اعتبار اسناد سجلی به عنوان اسناد رسمی ۵۳

ماده ۹: مقررات راجع به سواد اسناد سجلی ۵۶

فصل دوم: اسناد و دفاتر ثبت احوال ۵۷

ماده ۱۰: انواع دفاتر ثبت احوال و نحوه ثبت و نگهداری وقایع مربوط به ثبت احوال در

آنها ۶۱

ماده ۱۱: نحوه تکمیل و امضای دفاتر ثبت احوال و میزان اعتبار اسناد سجلی تکمیل و

امضاء شده ۶۶

فصل سوم: ثبت ولادت..... ۶۹

- ماده ۱۲: مرجع اعلام ولادت اطفال در داخل و خارج از کشور..... ۷۱
- ماده ۱۳: اطلاعات الزامی برای ثبت ولادت در دفتر ثبت کل وقایع..... ۷۴
- ماده ۱۴: لزوم تعیین شماره شناسایی برای افراد..... ۷۶
- ماده ۱۵: تشریفات و مهلت قانونی اعلام ولادت..... ۷۷
- ماده ۱۶: اشخاص مکلف به اعلام و امضای سند ثبت ولادت..... ۸۱
- ماده ۱۷: شیوه ثبت و اصلاح سند ثبت ولادت در فرض نامعلوم بودن ابویین طفل..... ۸۸
- ماده ۱۸: تشریفات مربوط به ثبت ولادت افراد فاقد ولی یا دارای اولیای محصور..... ۹۱
- ماده ۱۹: تکلیف پزشک به صدور گواهی ولادت و ارسال آن به ثبت احوال..... ۹۲
- ماده ۲۰: اسامی مجاز برای انتخاب و ثبت آن‌ها..... ۹۳
- ماده ۲۱: ثبت ولادت اطفال هر اد..... ۱۱۶

فصل چهارم: ثبت وفات..... ۱۱۷

- ماده ۲۲: تکلیف به اعلام وفات و مرجع ثبت آن در داخل و خارج از کشور..... ۱۱۹
- ماده ۲۳: مندرجات الزامی سند ثبت وفات..... ۱۲۱
- ماده ۲۴: ضرورت تصدیق پزشک یا گواهان برای ثبت وفات..... ۱۲۲
- ماده ۲۵: مهلت قانونی اعلام وفات..... ۱۲۴
- ماده ۲۶: اشخاص مکلف به اعلام وفات و امضای سند ثبت وفات..... ۱۲۶
- ماده ۲۷: تشریفات اعلام و امضای وفات یا ولادت توسط مقامات عمومی..... ۱۲۹
- ماده ۲۸: موارد تکلیف قانونی مقامات عمومی به اعلام وفات..... ۱۳۰
- ماده ۲۹: تعیین تکلیف در صورت مشخص نبودن اطلاعات ضروری برای ثبت وفات..... ۱۳۱
- ماده ۳۰: ثبت فوت فرضی غایب مفقودالائثر..... ۱۳۲

فصل پنجم: ازدواج و طلاق..... ۱۳۳

- ماده ۳۱: نحوه ثبت ازدواج و طلاق و رجوع در اسناد سجلی..... ۱۳۵
- ماده ۳۲: شرایط و نحوه ثبت بعدی ازدواج و طلاق‌های غیررسمی..... ۱۳۸

ماده ۳۳: الزامی بودن ثبت وقایع مربوط به ازدواج و طلاق در اسناد سجلی ۱۳۹

ماده ۳۴: قاعده ممنوعیت افشای اطلاعات اسناد سجلی ۱۵۶

فصل ششم: صدور شناسنامه ۱۶۳

ماده ۳۵: هزینه صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی ۱۶۵

ماده ۳۶: مندرجات الزامی شناسنامه ۱۶۸

ماده ۳۷: تمهیدات ثبت موارد ترک یا اخراج از تابعیت ۱۸۶

فصل هفتم: صدور کارت شناسایی ۱۹۳

ماده ۳۸: نحوه صدور کارت شناسایی و مندرجات الزامی آن ۱۹۵

ماده ۳۹: تشریفات ثبت مشخصات مربوط به سکونت افراد و ضمانت اجرای آن ۲۰۳

فصل هشتم: نام خانوادگی ۲۰۷

ماده ۴۰: تشریفات مربوط به تغییر نام خانوادگی ۲۰۹

ماده ۴۱: حق تقدم بر نام خانوادگی و تشریفات مربوط به انتقال آن ۲۲۲

ماده ۴۲: استفاده زوجه از نام خانوادگی شوهر ۲۳۳

فصل نهم: تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل ۲۳۵

وقایع ۲۳۵

ماده ۴۳: تکلیف سازمان ثبت احوال به تعویض شناسنامه‌های موجود در دست

مردم ۲۳۷

ماده ۴۴: تعیین تکلیف در خصوص داشتن شناسنامه مکرر یا موهوم یا استفاده از

شناسنامه مکرر یا موهوم یا شناسنامه غیر ۲۳۸

ماده ۴۵: تشریفات مربوط به احراز هویت یا تابعیت افراد ۲۴۰

ماده ۴۶: شناسایی شناسنامه‌های جدید به عنوان سند رسمی هویت و تابعیت ۲۵۱

فصل دهم: تهیه مقدمات اجرای قانون ۲۵۳

ماده ۴۷: مسئولیت وزارت کشور در تهیه مقدمات اجرای قانون ۲۵۵

فصل یازدهم: مقررات کیفری ۲۵۷

ماده ۴۸: جرم‌انگاری تخلف از وظایف قانونی در ارتباط با مراحل ثبت احوال شخصیه در

اسناد سجلی ۲۶۵

ماده ۴۹: جرم‌انگاری هرگونه اظهار خلاف واقع در ارتباط با اعلام یا گواهی ولادت و

مرگ و جرم‌انگاری دریافت یا استفاده از شناسنامه موهوم یا مکرر یا استفاده از

شناسنامه غیر ۲۶۸

ماده ۵۰: جرم‌انگاری دریافت شناسنامه یا ایجاد موجبات تنظیم اسناد سجلی قبل از

احراز تابعیت ایرانی برای اتباع بیگانه ۲۷۱

ماده ۵۱: جرم‌انگاری اظهار غیرواقعی ارجع به پدر و مادر طفل ۲۷۲

ماده ۵۲: جرم‌انگاری تخلفات مربوط به اموال ثبت احوال در خصوص مواد ۴۹، ۵۰

و ۵۱ ۲۷۳

ماده ۵۳: شیوه تنظیم و تصویب آیین‌نامه اجرا، تدارک و نمونه‌های اوراق و اسناد ۲۷۴

ماده ۵۴: نسخ قوانین معارض و قوانین پیشین ۲۷۵

ماده ۵۵: تعیین تکلیف در ارتباط با مسئولیت اجرای قانون ثبت احوال ۲۸۳

پیوست‌ها ۲۸۵

نوشتار نخست ۲۸۵

نوشتار دوم ۳۰۳

فهرست منابع ۳۱۱

پیشگام چاپ نیت

اندیشیدن درباره‌ی احوال شخصیه‌ی آدمیان و چارچوب‌بندی قانونی ثبت و نگهداری آن، افق‌های تازه‌ای را فراروی ذهن جستجوگر هر پژوهشگر حقوقی باز می‌نماید. حقوق ثبت احوال هم حقوق به مثابه جمع حق‌هاست و هم حقوق به مثابه مجموعه قوانین و مقررات. اندیشیدن پیرامون آن هم ذهنیت سنتی آموزش حقوقی ایرانی را کمی از گستره‌ی حقوق مالی و گذارگری و مالکیت رها می‌کند و حق‌هایی غیرمالی (مربوط به هویت و احوال خصوصی آدمیان) را از می‌نماید و هم مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی را (که کمتر در نظام آموزش دانشگاهی حقوق مجال طرح و بحث پیرامون‌شان شکل گرفته) صورت‌بندی می‌کند.

این فراموشی و غفلت از حقوق ثبت احوال شخصیه در ادبیات آکادمیک حقوق و برنامه‌ی درسی دانشجویان حقوق حیرت بیشتری را فراهم می‌کند وقتی یادآوری شود که هم سابقه‌ی قانون‌گذاری در حوزه‌ی احوال شخصیه تقریباً با عمر قانون‌نویسی مدرن در ایران است و هم مردم کوچه و خیابان همواره درگیرودار ثبت و قانع و قانع‌های مربوط به احوال شخصیه خویش (اعلام ولادت فرزندان، اخذ شناسنامه، نامگذاری فرزندان و ثبت ازدواج و طلاق و فسخ و انحلال نکاح و بذل مدت آن و همچنین اعلام وفات) با نیازها و پرسش‌های حقوقی بسیاری مواجه بوده‌اند.

شخصی که نام و نشانی دارد دلش می‌خواهد نام کوچک یا نام خانوادگی‌اش را تغییر دهد؛ کودکی به دنیا آمده و پدر و مادرش معلوم نیست (یا اتفاق بین آنها در اعلام ولادت نیست یا ازدواج رسمی بین آنها نیست) و حق کودک بر نام و نشان و هویت در معرض چالش است؛ نوعروسی قبل از رفتن سر خانه و کاشانه‌ی خویش به اختلاف و طلاق رسیده و حالا دنبال المثنای شناسنامه و حذف مشخصات ازدواج قبلی از

شناسنامه است؛ پدری می‌خواهد تاریخ تولد مندرج در شناسنامه‌اش را تغییر دهد تا نوجوانش بتواند با گرفتن کفالت او از سربازی معاف شود؛ سرپرست خانواده‌ای در سر دارد سن شناسنامه‌ای خود را به نحوی تغییر دهد که زودتر از مزایای بازنشستگی یا تأمین اجتماعی برخوردار شود؛ شخصی تغییر مذهب یا تغییر جنسیت داده و حالا دنبال تغییر نام کوچک خود است؛ دورترها فرزندی پس از ولادت از دنیا رفته و پدر و مادرش شناسنامه را ابطال نکرده‌اند و برای فرزند بعدی نگه داشته‌اند و حالا وقت ازدواج یا استخدام یا خدمت نظام وظیفه، منافع فرد اقتضای این را دارد که ابطال شناسنامه قبلی و صدور شناسنامه تازه را طلب کند؛ ورزشکاری که پدر و مادرش زودتر یا دیرتر از هنگام دقیق تولد برایش شناسنامه گرفته‌اند برای شرکت در مسابقات ورزشی خاصی تغییر مندرجات شناسنامه را طلب می‌کند؛ بانویی با مردی بیگانه و مهاجر به‌طور غیر رسمی ازدواج نمود و حالا مشکلات مربوط به احراز هویت و تابعیت فرزندش و صدور شناسنامه برایش دغدغه شده است...

اهمیت موقعیت‌های پیش گفته شرح جدی حقوق ثبت احوال در نظم حقوق کنونی را به عنوان گرانگاه مباحث مربوط به امنیت آدمیان و شخصی‌ترین مسائل مربوط به کنج خلوت زندگی آنان پدیدار می‌سازد؛ از سویی مسأله‌ی نظم عمومی مطرح است و این واقعیت که ثبات و وحدت هویت افراد براساس نظم و نسق روابط اجتماعی ضرورت دارد (اصل وحدت نام، اصل وحدت اقامتگاه، قاعده امر انتقالی نام‌خانوادگی و...) و از سویی دیگر مسأله‌ی حق‌ها و آزادی‌های آدمیان (حق بر نام، حق متعلق مربوط به هویت اجتماعی به‌طور مستقیم و حقوق تأمین اجتماعی، حقوق رفاهی و حق کار و... به‌طور غیر مستقیم) در میان است.

همچنین تبارشناسی قوانین مربوط به ثبت احوال نیز که قدیمی‌ترین آنها به سال‌های نخستین قرن ششمی اخیر مربوط می‌شود به خوبی می‌تواند نشان دهد پیشگامی و نیک اندیشی مؤلفان آن چه تحولات اجتماعی مثبتی را در مواردی مانند حذف القاب و عناوین و به تبع آن نظام طبقاتی شهروندی، اعلام برابری شهروندان و تجلی آن در اوراق هویتی برابر و حتی ضروری کردن ثبت هویت زنان به عنوان زمینه‌ای روشن برای شناسایی و تضمین حقوق مدنی و سیاسی آنها (مانند حق شرکت در

انتخابات) داشته است. در حقیقت با در نظر گرفتن پیوند وثیق شهروندی و تابعیت و نیز پیوند وثیق احراز هویت و تابعیت افراد با اوراق شناسایی آنها اغراق نیست اگر جایگاه این حقوق در ایجاد نظام حقوق شهروندی مدرن نیز مورد تأکید قرار بگیرد.

در چشم‌انداز فوق ادعای ما بر این است که تلاشی تازه برای بازشناسی ابعاد این رشته‌ی مهجور حقوق سزاوار است. اگر هم فرض شود که به لحاظ ماهوی، قواعد اساسی مربوط به احوال شخصیه شهروندان، در قانون مادر، یعنی در قانون مدنی تقریر شده است اما اهمیت نظر عمومی در سیاق کلی اسناد سجلی و تعیین تکلیف درباره‌ی نحوه‌ی ثبت، نگهداری، اصلاح، تغییر یا ابطال اسناد سجلی به عنوان اسناد رسمی در مجموعه‌ای از قوانین سلبی و نیز تکالیف سازمان ثبت احوال به عنوان بازویی در اختیار دولت به نحوی است که بیشتر طرح و بازنمایی این رشته را در چشم‌انداز حقوق عمومی به ذهن متبادر می‌سازد. پس حقوق ثبت احوال حقوق ناظر بر صدور، تغییر و ابطال اسناد سجلی و حق ناظر بر تأمین دلیل برای احوال شخصیه خواهد بود؛ درست همان قدر که حقوق ناظر بر تعیین قواعد ماهوی مربوط به احوال چهارگانه آدمی (ولادت، ازدواج، طلاق و فوت) می‌باشد. لاجرم باید ریشه‌ها و پیوندها را هم با حقوق مدنی و شاخه‌های پرثمر آن چون حقوق خانواده جست و هم خطوط رابطه را با حقوق عمومی و شاخه‌هایی که حقوق اداری (از باب طرح سازمان ثبت احوال به عنوان یک نهاد دولتی) و حقوق کیفری (از باب جرم‌انگاری عدم اعلام یا اعلام کذب وقایع چهارگانه یا جرم‌انگاری خدش دادن اسناد سجلی و...) به درستی ترسیم نمود.

به هر روی، برای پاک کردن غبار غفلت از چهره این رشته حقوقی و در ادامه مسیری که از پیش، آغاز شده بود، اینک اثر پیش‌رو با عنوان «قانون ثبت احوال در نظم حقوقی کنونی» به جامعه حقوقی کشورمان پیش کش می‌شود. در این اثر، هدف این است که از یک سو، ادبیات حقوقی دانشگاهی در حوزه ثبت احوال، غنای بیشتری یابد و از دیگر سو، آینه‌ای شکل بگیرد تا در آن بتوان تصویر احوال شخصیت شهروندان را بازنمایی کرد. برای تحقق این هر دو هدف، پس از بیان هر ماده، مفاهیم کلیدی آن طرح می‌شود تا قلمرو و چشم‌انداز تفسیری آن مشخص شود؛ بعد از آن نیز

چکیده‌ای از باورهای رایج در تفسیر ماده، با مراجعه به آثار علمی و نیز رویه قضایی آورده می‌شود.

در پایان، نگارندگان، ضمن تشکر از آقای محمدعلی رجب به پاس خوانش و پایش این اثر، اشتیاق خود را برای شنیدن ارشادها و انتقادات علاقمندان به حوزه حقوق ثبت احوال اعلام می‌کنند.

www.ketab.ir